

هنر هفتم و سینمای تعاملی (کتاب)

نویسنده خلاصه: ابراهیم صالحی حاجی‌آبادی
نویسنده کتاب: علی نهاوندی

چکیده

هنر هفتم و سینمای تعاملی؛ موضوع‌شناسی و ابعاد فقهی پژوهشی در حوزه فقه هنر که به بررسی سینمای تعاملی به عنوان گونه‌ای پیشرفته‌تر از سینمای سنتی می‌پردازد و ضمن موضوع‌شناسی دقیق، ابعاد فقهی، اخلاقی و فرهنگی آن را تحلیل می‌کند. علی نهاوندی نویسنده کتاب، اهمیت سینما را به عنوان صنعتی فرهنگی که در تعامل متقابل با فرهنگ و تمدن است، برجسته می‌کند و تأکید دارد که سینمای تعاملی با فناوری‌های نوین، نقش فعال‌تری در شکل‌دهی سبک زندگی و فرهنگ جامعه ایفا می‌کند. همچنین ضرورت تدوین چارچوب‌های فقهی برای تولید، توزیع و مصرف سینمای تعاملی به منظور حفظ ارزش‌های دینی و فرهنگی مطرح شده است.

نهاوندی نویسنده کتاب به موضوعاتی مانند نسبت حاکمیت با سینما، پدیده سلبریتیسم، نظارت‌های کنترلی، حریم خصوصی، مهندسی افکار و مالکیت دیجیتال در سینمای تعاملی پرداخته و وضعیت ابتدایی ایران در این حوزه را یادآور شده است. کتاب با هدف تبیین هنرهای تعاملی و ارتباطی سینمای تعاملی در چارچوب دانش فقهی، نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و جامعه‌سازی ایفا می‌کند.

معرفی اجمالی و ساختار

کتاب «هنر هفتم و سینمای تعاملی؛ موضوع‌شناسی و ابعاد فقهی» نوشته علی نهاوندی، اثری پژوهشی در حوزه فقه هنر است که به همت پژوهشگاه مطالعات فقه معاصر در سال ۱۴۰۳ش و در ۲۸۷ صفحه منتشر شده است. نویسنده در این اثر علاوه بر موضوعات مرتبط با سینمای عادی، به دنبال بررسی فقهی رسانه‌های تعاملی نیز است که در دنیای مدرن و عصر انفجار اطلاعات جایگزین رسانه‌های سنتی شده‌اند. در این گونه رسانه‌ها مانند شبکه‌های اجتماعی یا سینمای تعاملی گیرنده و فرستنده پیام پیوسته در حال جابجا شدن هستند. به باور نویسنده عناوینی مانند سینما و رسانه از عناوین نوظهور در فقه هستند که باید قبل پرداختن به حکم آنها به موضوع‌شناسی آن پرداخت (ص ۲۱). نویسنده سینما را با رویکرد ماهیت‌شناسانه مورد تحقق قرار می‌دهد تا تصویر دقیقی به لحاظ موضوعی از آن پیدا شود و پس از آن با روش استنباطی از نصوص، منابع فقهی و واکاوی برخی از قواعد به کشف حکم آن پردازد (ص ۲۲). اهمیت این کتاب در تدوین چارچوب‌های فقهی و بررسی ضوابط اخلاقی، حقوقی و اجتماعی برای سینمای تعاملی است که به فرهنگ‌سازی و جامعه‌سازی کمک می‌کند.

این کتاب از نخستین آثار در زمینه سینمای تعاملی است که ضمن موضوع‌شناسی، ابعاد فقهی، اخلاقی و فرهنگی این نوع از سینما را بررسی می‌کند. نویسنده با رویکردی نوین، سینمای تعاملی را از منظر حکمرانی فرهنگی، نسبت حاکمیت با سینما، پدیده سلبریتیسم، نظارت‌های کنترلی، حریم خصوصی، مهندسی افکار و مالکیت دیجیتال واکاوی

کرده است. مباحث نوظهوری که در این اثر به آنها پرداخته شده است، مانند داده‌پردازی و نفوذ در افکار عمومی، در آثار قبلی کمتر به آنها پرداخته شده است. چارچوب‌بندی هنجارهای تعاملی و ارتباطی سینمای تعاملی در حوزه فقه، از دیگر امتیازات این کتاب است.

نویسنده پیش از این کتاب، کتاب‌هایی مانند «واکاوی سینمای دینی و نظام مسائل فقه هنر هفتم» و «نظام مسائل فقه، هنر و رسانه» را تدوین کرده است که بیشتر به مسائل کلی فقه هنر هفتم و سینما پرداخته‌اند، اما تمرکز ویژه بر سینمای تعاملی و ابعاد فقهی خاص آن در این کتاب جدید آمده است.

ساختار

نویسنده کتاب را در سه بخش اصلی تنظیم کرده است؛

بخش اول ذیل عنوان کلیات و مفاهیم به مباحث مانند طرح مسئله، چارچوب مفهومی تحقیق می‌پردازد. در این بخش مفاهیم پایه سینما و سینمای تعاملی معرفی و کلیات صنعت سینما بررسی می‌شود.

بخش دوم به موضوع‌شناسی و ابعاد فقهی صنعت سینما اختصاص یافته است. نویسنده در این بخش به بررسی کارکردها و نظریه‌های سینما، تکنولوژی سینما، ماهیت‌شناسی فقه سینما، نسبت حاکمیت و سینما از منظر حکمرانی فرهنگی، پدیده سلبریتی‌ها، پوشش هنرمندان و مسائل کلی صنعت سینما، ابعاد فقهی صنعت سینما پرداخته است. او در ابعاد فقهی مسائل سینما به مباحثی مانند حکم تکنولوژی صنعت سینما از دید فقه، فقه حکمرانی صنعت سینما، نسبت حاکمیت و سینما و مسائل ناظر به عناصر تولید سینمایی می‌پردازد.

بخش سوم به موضوع‌شناسی و ابعاد فقهی سینمای تعاملی اختصاص یافته است. نویسنده کتاب در این بخش به ماهیت‌شناسی رسانه‌ها و تلویزیون تعاملی و ابعاد فقهی آن پرداخته است. از جمله داده‌پردازی‌ها که گاهی حریم خصوصی را در بر می‌گیرد و گاهی به مهندسی افکار مرتبط است. ابعاد فقهی تولید، توزیع و مصرف فیلم‌های تعاملی، مالکیت دیجیتال، قاچاق و توزیع غیرقانونی و ژانر کودک نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. مفاهیم کلیدی

به باور نویسنده، سینما به عنوان صنعتی فرهنگی، تأثیر عمیقی بر سبک زندگی دارد و رواج رسانه‌ها و سینمای تعاملی که نقش فعالی به مخاطبان داده است، این تأثیرگذاری را عمیق‌تر کرده، و همین تحول، نیازمند بازنگری فقهی و اخلاقی است (ص ۲۵-۲۵). نویسنده در تعریف سینمای تعاملی، آن را گونه‌ای نوین از سینما می‌داند که در آن مخاطب صرفاً تماشاگر منفعل نیست؛ بلکه به صورت فعال در انتخاب سوژه، روند داستان و پایان‌بندی اثر مشارکت می‌کند. این تحول تکنولوژیک، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای ارتباط دوسویه میان مخاطب و اثر سینمایی ایجاد کرده که شناخت ابعاد فقهی آن برای فقه‌پژوهان ضروری است (ص ۴۸-۴۹).

نهایندی ذیل مفهوم «موضوع‌شناسی فقهی» بیان می‌کند که برخی فقها از جمله وحید بهبهانی بر این باورند که تعیین و تشخیص مصداق بر عهده فقیه نیست (ص ۴۹)، هرچند در نگاه شماری از فقهای دیگر، تشخیص موضوع نیز از شوون فقیه است. از منظر نویسنده

امروزه اگر تصویر درستی از موضوعات جدید ارائه نشود، استنباط حکم آنها نیز ممکن نیست، از همین روی چون فقها در مسائل مستحدثه تخصص ندارند، برای شناخت موضوعات و صدور احکام، باید به متخصصان مراجعه کنند و در واقع اجتهاد فعالیتی مرکب از موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی است که رابطه حکم و موضوع نسبت سبب و مسبب است (ص ۵۰-۵۲).

در نگاه نویسندگان، سینما به‌عنوان هنر هفتم، تأثیر گسترده‌ای بر ابعاد فردی و اجتماعی دارد و فقه هنر تلاش می‌کند ضوابط و چارچوب‌های دینی را برای تولید، نمایش و مصرف آثار سینمایی تعیین کند و موضوعاتی مانند تخیل هنری، معنای تصویر سینمایی، حقوق و الزامات سینماگران در حکومت دینی و آزادی بیان هنری را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در نگاه نویسندگان، سینمای تعاملی گونه‌ای پیشرفته‌تر از سینمای سنتی است که در آن مخاطب نقش فعال دارد و می‌تواند در انتخاب سوژه، روند داستان و پایان‌بندی فیلم مشارکت کند. این ویژگی‌ها چالش‌های فقهی جدیدی مانند حفظ حریم خصوصی، مهندسی افکار، مالکیت دیجیتال و توزیع غیرقانونی فیلم‌ها را مطرح می‌کند که نیازمند بررسی و تدوین ضوابط فقهی ویژه است.

نهادی بر این باور است: فقه هنر هفتم و سینمای تعاملی، تلاش روشمند برای رسیدن به احکام الهی از ادله قطعی است تا در پرتو آن دستورهای شرعی مرتبط با موضوعات سینمای سنتی و مدرن را در ابعاد فردی و اجتماعی تعیین کند. در مجموع، فقه هنر هفتم و سینمای تعاملی حوزه‌ای نوظهور و پیچیده است که با توجه به تأثیر عمیق سینما و فناوری‌های نوین بر فرهنگ و جامعه، نیازمند پژوهش‌های دقیق و چارچوب‌بندی فقهی برای پاسخگویی به مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی مرتبط می‌باشد (ص ۵۲-۵۷).

موضوع شناسی و ابعاد فقهی صنعت سینما

نهادی بخش دوم کتاب را به موضوع‌شناسی و ابعاد فقهی و مسائل پیرامون سینما اختصاص داده است. این بخش، سینما را به‌عنوان یک صنعت فرهنگی چندوجهی و پرمخاطب معرفی می‌کند که در رابطه‌ای دیالکتیک با فرهنگ و تمدن حاکم قرار دارد؛ یعنی هم از فرهنگ تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن اثر می‌گذارد (ص ۶۱-۲۵۴). نویسندگان ضمن بیان معنا، حقیقت و کارکرد سینما، هشت نظریه در مورد سینما را مطرح کرده و در گفتاری سینما را ابزار قدرت فرهنگی می‌داند. بررسی فناوری‌های به‌کاررفته در صنعت سینما و تأثیر آن‌ها بر تولید، توزیع و مصرف آثار سینمایی. این فناوری‌ها به ویژه در سینمای تعاملی اهمیت دارند که امکان مشارکت فعال مخاطب را فراهم می‌کنند (ص ۶۱-۸۲).

فقه سینما

نویسندگان قبل از پرداختن به سینمای تعاملی، ابتدا به موضوع «ماهیت‌شناسی فقه سینما» می‌پردازد. نویسندگان تلاش می‌کند جایگاه و ویژگی‌های فقهی سینما را به‌عنوان هنر هفتم و صنعتی فرهنگ‌ساز تبیین کند. در نگاه نهادی فقه سینما شاخه‌ای از فقه معاصر است که به بررسی احکام، ضوابط و مسائل شرعی مرتبط با صنعت سینما می‌پردازد و تلاش می‌کند پاسخگوی نیازهای دینی و فقهی جامعه در مواجهه با پدیده‌ای باشد که از نظر هنری، فرهنگی، رسانه‌ای و تجاری بسیار تأثیرگذار است. در این فصل نویسندگان به مواردی از جمله نمایش سکس و بازنمایی آن در قالب کلمات که از نظر روان‌شناسی تأثیری به

مراتب مخربتر از نمایش مستقیم فیلم دارد، اشاره می‌کند و مواردی مانند لمس، پوشش و برهنگی زنان، انعکاس غیرواقعی و اشتباه احکام دینی و نشان دادن چهره معصومین را از موارد و مصادیق واقعی سینمای امروز می‌داند که ضرورت پرداختن فقها به آن امری آشکار و غیرقابل انکار است (ص ۸۳-۸۷). کاریکاتور و مجسمه‌سازی نیز از جمله مسائلی است که به نظر نویسنده ذیل محور تصویر مورد بررسی قرار می‌گیرد (ص ۸۹).

نویسنده معتقد است با توجه به نفوذ گسترده سینما در ابعاد بینشی، کنشی و گرایشی زندگی فردی و اجتماعی، فقه باید موضعی روشن، ژرف‌نگر و واقع‌بینانه نسبت به سینما اتخاذ کند و چارچوب‌های فقهی لازم را برای تولید، نمایش و مصرف آثار سینمایی تدوین نماید. از همین روی موضوع‌شناسی در تمام ابواب فقه به‌ویژه در مسائل مستحدثه مانند سینما بسیار مهم است (ص ۸۷-۸۹).

ابعاد فقهی مسائل سینما

نویسنده در فصل سوم، اهمیت پرداختن به مسائل فقهی سینما را مطرح می‌کند و با توجه به گسترش فناوری‌های جدید و نقش سینما در فرهنگ معاصر، بر لزوم بررسی تخصصی ابعاد فقهی سینما تأکید می‌نماید (ص ۹۵). نهاوندی ذیل عنوان «حکم تکنولوژی صنعت سینما از دید فقه»، ابتدا مفهوم تکنولوژی را بررسی کرده، سپس نسبت آن با تمدن انسانی و نقش تکنولوژی در تحولات اجتماعی و فرهنگی را تحلیل می‌کند (ص ۹۶-۹۹) و در ادامه، ضمن تبیین نگاه اسلام به تکنولوژی از منظر فرصت‌ها و تهدیدها، بحثی تطبیقی میان تکنولوژی‌های مخرب مانند سلاح‌های کشتار جمعی با تکنولوژی‌های فرهنگی مثل سینما را انجام داده، سپس ادله فقهی حرمت تولید و بهره‌برداری از سلاح‌های کشتار جمعی با استناد به قرآن، روایات و عقل را مطرح نموده و فتاوی مراجع درباره این موضوع را بیان می‌کند (ص ۹۹-۱۱۰).

نهاوندی با استناد به برخی آیات، عمومات و اطلاقات دال بر اباحه و حلیت و نیز روایات و اصل برائت، مشروع بودن صنعت سینما از نگاه فقه را پذیرفته است (ص ۱۱۰-۱۱۸). او در این باره به آیاتی مانند آیات ۱۲ و ۱۳ سوره جاثیه، آیه ۲۰ سوره لقمان و آیه ۶۵ سوره حج استناد می‌کند که از مسخر قرار دادن همه طبیعت در اختیار آدمی سخن می‌گوید (ص ۱۱۲-۱۱۳). او همچنین اطلاقات دال بر اباحه مانند «کل شیء لک حلال حتی تعرف انه حرام بعینه» استناد می‌کند (ص ۱۱۳).

نویسنده، ذیل عنوان «ماهیت بی‌بدیل» تأکید می‌کند که سینما به دلیل قدرت تصویر، روایت و تأثیرگذاری عمیق اجتماعی و فرهنگی، جایگاهی منحصر به فرد در میان ابزارهای فرهنگی دارد؛ به همین دلیل باید بررسی کرد که وظیفه هدایت، نظارت و مدیریت کلان نهاد سینما آیا برعهده حکمرانان است یا آنکه باید به شیوه شورایی و انتخاباتی و بدون نظارت حاکمیت اداره شود؟ او برای پاسخ به این پرسش دو دیدگاه متفاوت را مطرح و ضمن بیان ادله طرفین به شرح و تحلیل این دو دیدگاه پرداخته است (ص ۱۲۴). از جمله ادله کسانی که قائل به حاکمیت و نظارت بر سینما توسط حکمرانان هستند، ادله عقلی (وجوب دفع ضرر محتمل و جلوگیری از هرج و مرج) و ادله نقلی است که عبارتند از ۱- دلیل تشکیل حکومت دینی. ۲- ادله ولایت فقیه. ۳- وجوب تبلیغ و ترویج دین به عنوان وظیفه حاکمیت. ۴- پیشرفت صنعتی، حافظ کیان اسلامی. ۵- وجوب حفظ کیان اسلامی. ۶- استیلاي جامعه مومنان و

طرح و بررسی روایات دفاع در مقابل دشمنان از جهت سند و محتوا (ص ۱۲۵-۱۲۶). سپس نویسنده دیدگاه دوم را مطرح و برخی از تبعات مداخله حکومت در حکمرانی، مدیریت و نظارت بر صنعت سینما را بیان کرده است، از جمله اینکه تأثیر منفی بر اصل عدالت و اصل آزادی دارد و با دلیل «الناس مسلطون علی اموالهم» ناسازگار است و در نهایت با اتکا به قاعده لاضرر می‌توان گفت که مداخلات حکومتی در بسیاری از مواقع به ضرر جامعه اصناف خواهد بود (ص ۱۲۶-۱۲۸). البته نویسنده با استناد به دلایل نظریه ولایت فقیه و حفظ آزادی در نظام حکومت دینی به نفع رویکرد اول حکم می‌کند (ص ۱۲۹-۱۴۰).

نهادی معتقد است حاکمیت وظایف خاصی در قبال نظام ارتباطی، رسانه ای و هنری دارد (ص ۱۴۱-۱۹۳). به عنوان مثال او درباره تأمین منابع مالی صنعت سینما معتقد است ارتزاق از بیت‌المال برای مصالح فرهنگی یک نوع احسان است و می‌توان تحت عنوان سبیل‌الله به آن کمک کرد (ص ۱۵۰-۱۶۵). به باور نویسنده حاکمیت علاوه بر حمایت از صنعت سینما باید بر آن نظارت هم داشته باشد. او با استناد به دلایلی مانند قاعده نفی سبیل، حرمت حفظ کتب ضلال، قاعده حفظ مصلحت و ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر معتقد است حاکمیت باید از طریق ممیزی از انتشار محتواهای مخالف با موازین اسلامی جلوگیری کند (ص ۱۷۲-۱۹۴).

نویسنده در ادامه به بیان و طرح «مسائل ناظر به عناصر تولید و محتوای اثر سینمایی» پرداخته و به طرح موضوعاتی چون پوشش هنرپیشگان زن و نمایش آنها، موضوع‌شناسی پدیده سلبریتی در سینما، حکم فساد عقیدتی از طریق محتوای آثار سینمایی، موضوع شناسی فقهی بازنمایی شخصیت و چهره معصومان، از جمله موضوعاتی است که نهادی مطرح و با بیان ادله مخالفان و موافقان به بررسی مسائل آن از منظر فقه پرداخته است (ص ۱۹۴-۲۵۹). نویسنده بر این باور است در میان علما، از نظر حکم، اختلافی در نمایش چهره معصومان نیست و همه اتفاق نظر دارند که وهن معصومان جایز نیست. به گفته او، مسئله عدم جواز بازنمایی چهره معصومان به دلیل وهن، قداست زدایی و طبیعی انگاری معصومان است؛ حال اگر این موارد نباشد دلیلی بر منع و حرمت نمایش چهره معصومان نیست (ص ۲۵۵).

موضوع شناسی و ابعاد فقهی سینمای تعاملی

نویسنده در بخش پایانی کتاب به بررسی سینمای تعاملی می‌پردازد. در سینمای تعاملی یا شاخه‌ای انتقال یک‌طرفه محتوا جایگاه خود را از دست می‌دهد و مخاطب در روند شکل‌گیری رویدادهای سینما نقش فعالی ایفا می‌کند (ص ۲۶۳). نویسنده ضمن پرداختن به ماهیت و آسیب‌های رسانه‌های تعاملی از جمله تلوزیون‌ها و سینمای تعاملی، به بررسی ابعاد فقهی آن نیز می‌پردازد. نهادی معتقد است نسل چهارم تعاملات که همان تلوزیون‌های اینترنتی یا شبکه‌های اجتماعی اشتراک‌گذاری ویدیو هست، قابلیت کنش متقابل را برای مخاطبان خود فراهم کرده و هر یک از مخاطبان فرصت اظهار نظر مستقیم در مورد برنامه‌های تولیدی را پیدا می‌کنند (ص ۲۶۳-۲۹۸).

به باور نهادی معتقد، فقه به عنوان دستگاه هنجارساز قانونی که متولی امتدادبخشی شریعت و دین است، درصدد بیان حکم افعال اختیاری انسان از جمله افعال هنری و ارتباطی از روی ادله است. به گفته او در طول تاریخ افعالی مانند نقاشی و مجسمه‌سازی، عکاسی

و سینما، به عنوان فعل انسان دارای حکم فقهی بوده است. نویسندگان در توضیح احکام فقهی سینمای تعاملی به موضوعاتی همچون حریم خصوصی، ابعاد فقهی مصرف فرهنگی سینمای تعاملی، حرمت محتوای مستهجن، معاملات و توزیع غیر قانونی آثار سینمای تعاملی، نفوذ و مهندسی افکار از طریق سینمای تعاملی و قواعد فقهی دال بر عدم جواز نفوذ را مورد بررسی قرار داده است (ص ۳۰۵-۳۵۵). نویسندگان در هر کدام از موضوعات مورد اشاره با تمهید دلائل فقهی به استخراج حکم شرعی آن می‌پردازد. به عنوان مثال او با اذعان به این نکته که در رسانه‌های تعاملی به دلیل آنکه فرد به صورت شخصی برنامه‌های مورد علاقه خود را دنبال می‌کند، حریم خصوصی اهمیت زیادی خواهد داشت. او با استناد به ادله متعددی ورود به حریم شخصی افراد و برملاسازی آن از طریق تولیدات سینمایی را غیر مجاز می‌داند (ص ۳۱۱-۳۱۹).

